

## بنیان معرفت‌شناخت نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت

عماد افروغ<sup>۱</sup>

### چکیده

در نتیجه مطالعات خود، به نگاهی فرادینی دست یافته که با دوئالیسم مخالف است. مراد از دوئالیسم، دوئالیسم ارزش و واقعیت، نظریه و مشاهده، عقل و عشق، نفس و بدن، حکمت نظری و حکمت عملی، خدا و انسان، خدا و خلق و... است. نگاه فرادینی، نگاهی خدایی است؛ یعنی باید از منظر خدا به عالم نگریست. نظام دانایی ما، نمی‌تواند از پارادایم و انسان‌شناسی شروع کند؛ این نوع نگاه، اشکال بزرگی دارد. هستی‌شناسی مقدم بر معرفت‌شناسی است. بر اساس تقدم هستی‌شناسی بر معرفت‌شناسی می‌توان به یک پارادایم شناخت‌شناسی رسید؛ پارادایمی مبتنی بر رئالیسم انتقادی سپس رئالیسم انتقادی دیالکتیکی و بعد هم فلسفه فراواقعیت. در باب علم دینی، سؤال محوری این است که ملاک و معیار داوری علم دینی از علم غیردینی چیست؟ ملاک علم دینی از غیردینی، در حوزه پدیده‌های طبیعی، خود طبیعت است. باید علم و دین را تابع یک حقیقت وجودی به نام هستی کنیم. بهترین نوع گفتگو، گفتگوی پیش‌رونده است، نه گفتگوی پس‌رونده. فهم‌های افراد، نسبی هستند؛ اما داوری‌ها نسبی نیستند. فهم ما چون از دلانی از مفهوم می‌گذرد، خواه‌ناخواه، نسبی می‌شود؛ اما، همه درک‌ها به یک میزان صحیح نیستند؛ بنابراین ما باید در داوری، تابع عقلانیت باشیم.

فقهی که امروزه به دست ما رسیده است، فقه فردگرا و جزئی‌نگر است و به واقعیت نوظهور توجه ندارد. واقعیت نوظهور، بحثی فلسفی است. مشکلی که اکنون در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، فقدان انبساط است. در بهترین حالت، درصدد تنظیم نظام دانایی یا نظام فرهنگی به صورتی انتزاعی هستیم؛ اما سطح علمی اجتماعی و فرهنگی جامعه، کار خود را انجام می‌دهد و هیچ ارتباط دیالکتیکی هم بین این دو وجود ندارد. از دیگر نقدهای وارد بر نظام دانایی کشور، این است که از چستی علم شروع نشده است. از جمله دیگر نقدها، غلبه فرمالیسم بر محتواگرایی است. وقتی انسان را در حیات واقعی خود لحاظ کنید، به آهنگ و ژانر ویژه قرآن، بهتر و بیشتر پی می‌برید. قرآن دارای یک ژانر فراگیر چند ژانری است. در روش‌شناسی نباید به دنبال یک ژانر واحد باشیم. اگر این آهنگ و منطق قرآن کشف نشود، دچار ژانری مغشوش و چندگانه می‌شویم. واژه پیشرفت، خنثی است و می‌توان از واژه جایگزین بالندگی انسان استفاده کرد که ارتباطی نیز با سعادت همگانی دارد یا از واژه سعادت انسان استفاده کنیم. در مطالعات هستی‌شناسی پیشنهادی، ابتدا مباحث وجودشناسی سپس بازتاب آن در وجود طبیعی، اجتماعی، انسانی، اخلاقی و... مطرح می‌شود؛ آنگاه و از این منظر، حق‌گرایانه وارد قرآن می‌شویم؛ پس میزانی از لایتناهی در انسان است که باعث می‌شود انسان، تسلیم وحی و قرآن شود و به رابطه عقل و وحی بیانديشد. انسان در مواجهه با قرآن باید مبتنی بر

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

آن نگاه هستی‌شناسانه، به تفکر فلسفی و عقل‌مدار خود بر مدار پیشرفت پردازد و سعی در کشف لایه‌های قرآن و اشارات، لطایف و حقایق آن داشته باشد.

**واژگان کلیدی:** نظام دانایی، علم دینی، فلسفه فقه، روش‌شناسی، هستی‌شناسی.